

Historical Analysis of the effect of Social and Political Factors of Qajar period on Rural Landscapes (Security, Rulers attempts at Rural Development, Global Markets, and Agricultural Modernization)

Arman Vafaie^{*}, Mohammad Ismail Ismaili Jelodar^{**}

Kamal Aldin Niknami^{***}

Abstract

Political and social factors of the Qajar period such as Security, some responsibilities that traditionally are on Rulers, Iran's semi-colonial condition, and its historical context for transforming the historical traditions to Modernity have affected rural landscapes in different ways. Therefore, the main question of this research is how some factors such as security, ruler's attempts about rural development, Iran's situation in global markets, and some attempts for modernizing the agriculture affected on rural landscapes? So understanding the quality of the effect of these factors is the goal of this investigation. To achieve this goal, historical analysis is chosen as a methodology and this study is concentrated on the concept of the rural landscape. Results shows, the effects of the absence of the security were observable in destroyed and abandoned villages, the Architectural form of the villages and avoidance villagers from agriculture. Rulers had some activities in rural development that effected rural landscapes slightly. Iran's situation in the global market as a producer of Agricultural raw materials changed the

* Ph.D. student of Archaeology. University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author),

Armanvafaie@ut.ac.ir

** Associate professor, of Archaeology, University of Tehran, Tehran, Iran, Jelodar@ut.ac.ir

*** Professor of Archaeology, University of Tehran, Tehran, Iran, Kniknami@ut.ac.ir

Date received: 2022/12/31, Date of acceptance: 2023/04/03



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

nature of Iranian agriculture from subsistence to commercial and finally some attempt of Iranian for transformation of traditional interaction with environment failed.

Keywords: Qajar Period, Rural landscape, Security, Commercial agriculture, Modernization.

مطالعه نحوه اثر گذاری عوامل تاریخی دوره قاجار بر منظرهای روستایی آن^۱

آرمان وفایی*

محمداسماعیل اسمعیلی جلودار**، کمال‌الدین نیکنامی***

چکیده

بافت تاریخی دوره قاجار که به‌عنوان بافت تاریخی آغاز گذار از سنت به مدرنیته در تاریخ ایران شناخته می‌شود شرایط تاریخی‌ای را رقم زد که بر ساحت‌های مختلف جامعه ایرانی از جمله منظرهای فرهنگی روستاها تأثیر گذاشت. به تناسب مفهوم منظر روستایی، سؤالاتی که این پژوهش سر آن دارد به آن‌ها پاسخ دهد عبارت‌اند از: عوامل تاریخی چگونه بر منظرهای روستایی تأثیر گذاشت؟ و آیا این عوامل منجر به گذار از منظرهای سنتی روستایی به منظرهای مدرن شد؟ درک چگونگی تأثیرپذیری روستاها از عوامل تاریخی هدف اصلی این نوشتار است و برای نیل به آن یک روش‌شناسی تحلیلی - مفهومی مورد استفاده قرار می‌گیرد. پژوهش حاضر با کانون قرار دادن مفهوم منظرهای روستایی نحوه تأثیر چهار عامل تاریخی پیرنگ دوره قاجار یعنی امنیت، مسئولیت حاکمان در قبال روستاها، جایگاه ایران در بازارهای جهانی و تلاش‌ها برای مدرن‌سازی کشاورزی مورد بررسی قرار داده. در نتیجه باید گفت امنیت در نوع فرم معماری روستاها، متروک شدن بسیاری از آن‌ها و ترس کشاورزان از فعالیت، اقدامات عمرانی حاکمان قاجاری تأثیر کمی در بهبود شرایط منظرهای روستایی داشته و جایگاه ایران در

* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوران اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

Armanvafaie@ut.ac.ir

** دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، Jelodar@ut.ac.ir

*** استاد گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، Kniknami@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۴



بازارهای جهانی، کشاورزی ایران حالت تجاری تغییر داده است و تلاش‌ها برای مدرن‌سازی روش‌های کشاورزی بی‌نتیجه مانده است و منظرهای روستایی در پایان دوره قاجار حالت سنتی را داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: دوره قاجار، مناظر روستایی، امنیت، کشاورزی تجاری، مدرن‌سازی.

۱. مقدمه

۱.۱ طرح موضوع

تجربه‌های تاریخی ایران در دوره قاجار باعث شد تا این کشور، شرایط فرهنگی‌ای را تجربه کند که با سنت‌های تاریخی پیشین آن متفاوت بود. مراحل مختلف تجربه‌های تاریخی دوره قاجاری اعم از به قدرت رسیدن و تثبیت قدرت حاکمان قاجاری که جنگ‌های داخلی و خارجی زیادی را پی داشت و منجر به شرایط ناامن و ویرانی‌هایی شد، ثبات حاکمیت قاجار و سیاست‌گذاری حاکمان قاجاری در قبال جامعه ایران، تحمیل شرایط نیمه‌استعماری به ایران و جایگاه ایران در نظام اقتصادی بین‌المللی آن روزگار و از سویی به وجود آمدن تمایل ایرانیان به نوگرایی، همه و همه مواردی هستند که در کنار هم بر جنبه‌های مختلف تاریخ قاجاری تأثیر گذاشت. در دوره قاجار، ایرانیان به تدریج دریافته‌اند که پیشرفت‌هایی که در دیگر نقاط جهان به وقوع پیوسته، در ایران اتفاق نیفتاده است (زیباکلام ۱۳۷۷: ۱۰۹). به این ترتیب بافت بین‌المللی و عوامل داخلی شرایطی را به وجود آورد تا ایرانیان در دوره قاجار با چالش‌هایی در ابعاد مختلف فرهنگی مواجه شود. عوامل تاریخی موردبررسی در این پژوهش را می‌تواند کلان‌ترین عوامل تاریخی تأثیرگذار بر دوره قاجار دانست. امنیت، نوع رفتار و عمل حکومت در قبال جامعه، نقش ایران در بازارهای بین‌المللی و تلاش‌ها برای نوگرایی بر جنبه‌های مختلفی از تاریخ قاجاری تأثیر گذاشت. در این میان، یکی از مهم‌ترین بخش‌های جامعه قاجاری ایران، بخش روستایی آن بوده است که مقاله حاضر تمرکز بر آن دارد.

آمارهای جامع دقیقی از جمعیت ایران قاجاری در دسترس نیست. اما اگر بخواهیم گزارش‌های مستشرقانی مثل کرزن (Curzon) (۱۳۷۳) را در نظر بگیریم، درخواهیم یافت اکثریت جامعه آن زمان را روستاییان تشکیل می‌دادند. بدیهی است این اکثریت روستایی، نوعی از برهمکنش را با محیط‌زیست اطراف خود در جای‌جای ایران به وجود آورده بودند که کیفیت این برهمکنش بسته به بافت جغرافیایی و تاریخی آن‌ها، متفاوت از هم بوده است.

بخشی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر منظر فرهنگی روستایی، عوامل تاریخی و ضرورت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن دوره است. از آنجایی که منظر روستایی، شکلی از منظرهای فرهنگی است که با توجه به اکثریت روستایی جمعیت ایران، منظر غالب را تشکیل می‌دهد است، بنابراین درک عوامل تاریخی مؤثر بر منظرهای روستایی در دوره قاجار به خودی خود دارای اهمیت دوچندان خواهد بود. با توجه به اهمیت ذکر شده، در بین عوامل تاریخی متعدد دوره قاجار چهار عامل امنیت، مسئولیت حاکمان در قبال منظرهای فرهنگی و به‌طور خاص منظرهای فرهنگی روستایی، جایگاه ایران در بازارهای جهانی و تلاش‌های برای مدرن‌سازی کشاورزی از جمله عوامل بسیار پررنگ و بااهمیتی هستند که از بافت تاریخی دوره قاجار برآمده و بر ساحت‌های مختلف فرهنگی-اجتماعی ایران از جمله منظرهای روستایی تأثیر گذاشته است. اینکه این عوامل چگونه بر منظرهای روستایی تأثیر گذاشته‌اند، می‌تواند منجر به درک بخش بزرگی از عاملیت‌های مؤثر بر منظرهای روستایی شود و این نکته به خودی خود اهمیت تاریخی بررسی چنین موضوعی را نشان می‌دهد. درک این عوامل تاریخی می‌تواند منجر به درک بافت تاریخی منظرهای فرهنگی شود و که این نکته نیز می‌تواند بر اهمیت این پژوهش در مطالعات دانش‌های تاریخی دیگری چون باستان‌شناسی بیفزاید.

۲.۱ سؤال پژوهش

سؤال اساسی‌ای که این پژوهش بر آن است تا به آن پاسخ گوید:

- چگونه عوامل تاریخی چون امنیت، مسئولیت حاکمان در قبال آبادسازی روستاها، جایگاه ایران در بازارهای جهانی و تلاش‌ها برای مدرن‌سازی روش‌های کشاورزی بر منظرهای روستایی تأثیر گذاشته است؟

۳.۱ فرضیات پژوهش

- هرکدام از عوامل یادشده به‌نوعی منظرهای روستایی را تحت تأثیر خود قرار داده است. به این صورت که تأثیر عامل امنیت را می‌توان در متروک شدن بسیاری از روستاها، شکل معماری قلعه وار آن‌ها و ترس کشاورزان نسبت به سرمایه‌گذاری بر روی کشت و کار در زمان ناامنی‌ها دید. جایگاه ایران در بازارهای جهانی به‌عنوان تولیدکننده مواد خام

کشاورزی منجر به تحول کشاورزی معیشتی به کشاورزی تجاری شد و فعالیت‌های اجرایی و آموزشی منجر به گذار از برهمکنش‌های سنتی با محیط‌زیست نشد.

۴.۱ مبانی نظری و روش‌شناختی پژوهش

با توجه به اینکه نوشتار پیش رو نیازمند درک درست از بافت تاریخی منظر فرهنگی روستایی در دوره قاجار است، توضیح برخی مفاهیم نظری در آن ضرورت دارد. یکی از نخستین مفاهیم مورد توجه، مفهوم منظر روستایی است.

منظرهای روستایی در تعریف مجمع عمومی سازمان ایکوموس که در سال ۲۰۱۷ به تصویب رسیده عبارت است از:

مناطق خاکی و آبی ناشی از تعامل انسان - طبیعت برای تولید غذا و دیگر منابع تجدیدپذیر طبیعی، که از طریق کشاورزی، دامداری و چوپانی، ماهیگیری و آبی‌پروری، جنگل‌داری، جمع‌آوری گیاهان وحشی، شکار، و استحصال منابع دیگری همچون نمک، شکل گرفته‌اند. منظرهای روستایی منابعی چندوجهی‌اند. در عین حال، همه مناطق روستایی واجد معانی فرهنگی‌اند که مردم و جوامع به آن‌ها اعطا کرده‌اند: همه مناطق روستایی منظر به شمار می‌روند (چیستی مناظر روستایی، ۲۰۱۹).

با توجه به تعریف ارائه شده از منظرهای روستایی بدیهی است که چنین مفهومی بسیار گسترده و چندوجهی است و درک آن مستلزم درک هر دو سوی انسانی و طبیعی این برهمکنش است. به همین دلیل این مفهوم مفهومی میان رشته است. باید در نظر داشته باشیم در مطالعه سویه انسانی منظرهای روستایی عوامل مختلف فرهنگی-تاریخی و اجتماعی-اقتصادی در برخورد با نیروهای طبیعی و جغرافیایی، منظر فرهنگی آن روستا را به وجود می‌آورد (سعیدی ۱۳۹۰: ۱۵). بنابراین یک‌سوی برهمکنش روستاها و محیط‌زیست جنبه‌های انسانی‌ای دارد که به شدت تحت تأثیر بافت تاریخی خود است و ضرورت دارد که به خوبی درک شود. بنابراین در پژوهش حاضر با در نظر داشتن رویکردی تحلیلی-مفهومی، مفهوم منظرهای روستایی را در کانون تمرکز خود قرار داده است تا چگونگی تأثیرگذاری عاملیت‌های تاریخی در دوره قاجار را درک کند. در این بین و با توجه به بافت تاریخی قاجار عوامل کلانی که می‌توانسته‌اند بیشترین تأثیر را در منظرهای روستایی بگذارند موضوع این پژوهش هستند. عبارت‌اند از امنیت، مسئولیت حاکمان قاجاری در قبال روستاها، جایگاه ایران در بازارهای جهانی و تلاش‌ها برای مدرن‌سازی روش‌های کشاورزی از جمله عواملی هستند که در این

مطالعه نحوه اثرگذاری عوامل تاریخی دوره قاجار ... (آرمان وفايي و ديگران) ۲۶۳

پژوهش موردبررسی قرار خواهند گرفت. این نگاه پژوهش حاضر بر مباحثی که در ادامه می‌آید به دنبال نیاز علوم تاریخی‌ای همچون باستان‌شناسی به درک بافت تاریخی است. این عوامل در کنار هم بافت تاریخی‌ای را به وجود آورده‌اند که درک هر تحولی در منظرهای روستایی دوره قاجار در موقعیت‌های جغرافیایی متفاوت ایران در گرو درک این بافت تاریخی است. در ادامه با مرور پیشینه پژوهش در خواهیم یافت که موضوع مطالعه روستاها در بافت تاریخی دوره قاجار به مثابه منظرهای فرهنگی به خودی خود موضوع نویی است.

۵.۱ پیشینه پژوهش

روستاهاى دوره قاجار از برای پژوهشگران بسیار جذاب بوده است و نگاه‌های متنوع و متعددی به این موضوع شده است که به‌طور خلاصه می‌توان آن‌ها را به رویکردهای جامعه‌شناسی تاریخی، رویکرد تاریخ اقتصادی و رویکردی که بیشتر تاریخ روستاهای قاجاری و کشاورزی ایران را موضوع پژوهش خود قرار داده است، تقسیم کرد.

در بین آثاری که می‌توان آن‌ها را در طبقه‌بندی تاریخ اقتصادی گنجانده می‌توان از اثر گنج‌شایگان یا *اوضاع اقتصادی ایران به قلم جمال‌زاده (۱۳۳۵)* یاد کرد که، در بررسی صادرات ایران قاجاری که بیشتر شامل تولیدات روستایی است تا حدودی به موضوعات مرتبط با روستاهای قاجاری نزدیک شده است. کتاب *تاریخ اقتصادی ایران* نیز که به همت چارلز عیسوی (۱۳۶۲) گردآوری شده است، در طی یک فصل موضوعات مختلف مرتبط با کشاورزی دوره قاجار موردبررسی قرار گرفته و موضوعاتی همچون آبیاری، بهره مالکانه، مالکیت و تولید انواع محصولات کشاورزی موردبررسی قرار می‌گیرد. منصوربخت (۱۳۸۸) هم موضوع کشاورزی تجاری دوره قاجار را مورد مطالعه قرار داده است. احمد سیف (۱۳۸۹) در کتاب قرن گمشده موضوعاتی مرتبط با منظر فرهنگی روستایی ایران در دوره قاجار را هدف قرار می‌دهد. وی بیشتر تمرکز خود را بر موضوع کشاورزی و مباحث مرتبط با آن گذاشته و رویکرد او بررسی تاریخی اقتصاد ایران قاجاری است.

در بین آثاری که بیشتر ماهیت جامعه‌شناسی تاریخی دارند اثر لمتون (۱۳۳۹) با عنوان مالک و زارع که در بخشی از روابط مالک و زارع در دوره قاجار مورد بررسی قرار گرفته است. فشاهی (۱۳۶۰) هم در بخشی از کتاب *تکوین سرمایه‌داری در ایران*، موضوعات روستایی را با رویکردی مارکسیستی موردبررسی قرار می‌دهد. دهقان حسام‌پور و ندیم (۱۳۹۴) هم در

مقاله‌ای تأثیر تجاری شدن تریاک در تغییر وضعیت زمین‌داری و مناسبات شغلی دوره قاجاریه را مورد بررسی قرار داده‌اند.

در بین آثاری که تاریخ روستاها و کشاورزی را بررسی کرده‌اند، انصاف‌پور (۱۳۶۳) در فصلی از پژوهش تاریخی خود با عنوان *ایران و ایرانی به تحقیق در صد سفرنامه خارجی به موضوعات مختلف روستایی را بررسی کرده است*. از دیگر محققان برجسته دوره قاجار می‌توان به ویلم فلور (۱۳۹۹) اشاره کرد، او در پژوهش جامعی تحت عنوان *کشاورزی ایران در دوره قاجار*، با محور قرار دادن موضوع کشاورزی ایران در دوره قاجار، موضوعات مختلف و متنوعی را در خصوص منظر فرهنگی روستاهای دوره قاجار مورد پژوهش قرار می‌دهد. در همه این رویکردهای تاریخی روستاها به مثابه منظرهای فرهنگی موضوع پژوهش نبوده‌اند و این نوشتار به دنبال پر کردن این خلأ است.

۶.۱ جنبه‌های نوآورانه پژوهش

با وجود این پیشینه غنی در خصوص روستاهای دوره قاجار، خلأ وجود مطالعه‌ای با کانون قرار دادن مفهوم منظر فرهنگی وجود دارد که این پژوهش به دنبال پر کردن این خلأ تاریخی دوره قاجار را مورد بررسی قرار می‌دهد تا سویه انسانی و تاریخی مؤثر بر این منظرها را درک کند. درک این بافت تاریخی دوره قاجار می‌تواند برای مطالعات باستان‌شناسی و علوم تاریخی دیگر مفید باشد تا در پژوهشگران این علوم با درک حاصل شده از بافت تاریخی روستاها در دوره قاجار تأثیر عوامل تاریخی در منظرهای فرهنگی را با دیدی جزئی‌تر و نگاهی منطقه‌ای موضوع مطالعه خود قرار دهند. به این ترتیب چهار عامل کلان تاریخی دوره قاجار مورد بررسی قرار می‌گیرد. بایستی به خاطر داشته باشیم که هر تحولی در منظرهای روستایی دوره قاجار در بستر بافت گسترده تاریخی این دوره اتفاق افتاده است که این بافت بایستی به خوبی درک شود.

۲. تحلیل عوامل تاریخی مؤثر بر منظر روستاها در دوره قاجار

اگر نگاهی اجمالی به تاریخ پرفرازونشیب دوره قاجار داشته باشیم، درک خواهیم که شرایط حاکم بر این دوره تاریخی به گونه‌ای است که در دوره تثبیت قدرت قاجارها، آنچه بر این جامعه بیشترین تأثیر را گذاشته، موضوعات مرتبط با امنیت است. در ادامه تاریخ این سلسله و

پس از به ثبات رسیدن حکومت آن‌ها، تلاش‌هایی از سوی سیاست‌مداران این دوره برای آبادگری انجام شده است اما پس از اینکه این سرزمین به صحنه رقابت‌های استعمارگران تبدیل شد، شرایط این کشور به حالت نیمه‌استعماری درآمد، پس جایگاه ایران در شرایط نیمه استعماری آن روزگار عامل تأثیرگذار دیگری است. از سویی درک ناکارآمدی بسیاری از سنت‌ها منجر به تلاش‌هایی در عرصه‌های مختلف دوره قاجاری شده است که برخی از این تلاش‌ها مرتبط با مناظر روستایی است. در ادامه هر یک از این عوامل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱.۲ امنیت

در آغاز شکل‌گیری سلسله قاجار یک عامل تأثیرگذار بر مناظر روستایی که بسیار به چشم می‌آید، عامل امنیت است. این دوره را می‌توان دوره ایجاد و تثبیت قدرت قاجارها دانست. قدرتی که به واسطه پیروزی‌های نظامی آغامحمدخان به وجود آمده بود و سپس تثبیت این قدرت منجر شد تا کشمکش‌های نظامی‌ای در راستای سرکوب رقبا و مخالفان در داخل انجام شود. به‌عنوان مثال در سال ۱۲۰۹ ه.ق آغامحمدخان که تازه از سرکوبی کرمان فارغ شده بود، متوجه گرجستان شده و به آنجا لشکر کشید (وقایع‌نگار مروزی ۱۳۶۹: ۲۸). این تعارضات بافت تاریخی ناامنی را به وجود آورده و بر منظر روستایی تأثیری گذارد. بایست توجه داشت که عدم امنیت عاملی برای کند شدن رشد زراعت است (پهندادیان ۱۳۹۶: ۱۸۸). اگرچه تواریخ ایرانی آن زمان بیشتر بر پیروزی‌های نظامی آقا محمدخان تمرکز دارند، اما ویرانی‌های حاصل از درگیری‌های نظامی در روستاهای این دوره در گزارش‌های سفرنامه‌نویسانی همچون اولیویه (۱۳۷۱: ۱۰۶) تأکید شده است. بارونز (۱۳۷۳: ۷۶/۷۵) نیز در سفرنامه خود از روستاهایی در خراسان یاد می‌کند که به دلیل شرایط ناامن آن روزگار، متروک شده‌اند. باید گفت دوران حکومت آغامحمدخان به تثبیت قدرت حاکم با انجام جنگ‌های داخلی و خارجی سپری شده و این جنگ‌ها بنا به روایت شاهدانی چون اولیویه و بارونز مانعی برای آبادی مناظر روستایی شده و در این شرایط است که حکومت به فتحعلی شاه قاجار منتقل می‌شود.

دوره حکومت فتحعلی شاه نیز به لحاظ منازعات داخلی و خارجی و شرایط ناامن، مشابه دوره آغامحمدخان است و می‌توان آن را تداوم دوره تثبیت قدرت دانست. این ناامنی‌ها بر منظر معماری کلی روستاهای آن زمان با محصور شدن روستا که در منابع نوشتاری

توصیف شده، همراه است. ناامنی به گونه‌ای بوده است که شب‌ها درهای روستاها را می‌بسته‌اند (بن تان ۱۳۵۴: ۵۴) (تصویر ۱).



تصویر ۱. قریه ترجان، ملک شریف خان بیگ مگری ۱۲۷۲
(تصویر برگرفته از: محمدزاده ۱۳۹۴: ۳۳)

در مشاهدات موریه (۱۳۸۶: ۱۹۷/۱۹۳) نیز این ویرانی‌ها که حاصل جنگ‌های درازمدت قاجار و زند است، ثبت شده است. در دوره حکومت محمدشاه نیز پایین بودن سطح امنیت همچنان عامل مؤثری در مناظر روستایی است. روایت‌های این دوره هم از ناامنی حکایت می‌کند. به عنوان مثال در گزارش‌های فریزر (Fraser) (Vol II, 1840:301)، در سفرنامه کردستان و میان‌رودان، از امتناع کشاورزان به کشت و زرع سخن رفته است، چراکه ممکن است حاصل زحمات آن‌ها توسط نیروهای امام وردی میرزا یا نظامیان شاه غارت شود. لیدی شیل (Sheil) (۱۳۶۸: ۵۰) نیز در مشاهدات خود در دشت قزوین از تأثیر جنگ‌ها و حکومت‌های نالایق در خرابی قنات‌ها سخن گفته است. برای درک تأثیر ناامنی‌ها بر مناظر روستایی بایستی به فشار مضاعف و تأثیر لشکرکشی‌های این دوره بر زندگی روستائینی اشاره داشت. الزام روستاییان به تأمین غذا و علوفه نظامیان تحت عنوان سیورسات بخشی از این فشار و واکنش آن‌ها به این موضوع بوده است (ورهرام ۱۳۶۷: ۳۴۸)

پس از مرگ مظفرالدین شاه و به قدرت رسیدن محمدعلی شاه نیز شرایط ناامن دوباره تجربه شد. شورش مردم اصفهان علیه ظل السلطان و تقاضای عزل او، تاج و تخت خواهی برادر شاه، سالارالدوله در غرب ایران و همین طور اعتراضات مردم تبریز، ماکو و فارس از جمله این ناآرامی‌ها است (براون ۱۳۳۸: ۱۳۹). در نهایت فاجعه دوره استبداد صغیر و به توپ بستن مجلس رخ داد و این اتفاقات نیز به دنبال خود، تلاش‌های مجاهدان و فتح تهران (هدایت ۱۳۶۳: ج ۱، ۲۳۷) و تلاش دوباره محمدعلی شاه برای برگشتن به حکومت و همین طور شورش سالارالدوله در غرب ایران از جمله رخدادهای سیاسی‌ای است که موجبات درگیری‌ها و ناآرامی و ناامنی را در سال‌های پس از مشروطه به وجود آورد (شوستر ۱۳۸۵: ۱۰۰). جنگ جهانی اول نیز بر این ناامنی و آشفتگی افزود، تا جایی که به قول مخبرالسلطنه هدایت (۱۳۶۳: ج ۱، ۳۳۰): «حدود غربی ایران میدان تاخت و تاز ترک و روس شد، بقیه جاها عرصه تحریکات انگلیس و آلمان». بنابراین بافت تاریخی در بسیاری از مقاطع دوره قاجار بافت ناامنی بوده است که این ناامنی به صورت‌های متفاوتی بر منظرهای روستایی تأثیر گذاشته است.

بنابراین، تأثیرات ناامنی‌ها بر منظرهای روستایی شامل مهاجرت جمعیت‌های روستایی و خالی از سکنه شدن روستاها، شکل‌گیری الگویی از معماری روستایی با حصار و برج و بارو و امتناع روستاییان از مصرف کردن بذرشان به‌عنوان یک سرمایه برای کشت و کاری است که ممکن است توسط نظامیان تحت حمایت شاه و یا صدراعظم غارت شود. حاکمیت قاجار در آن دوره تحت عنوان سستی به نام سیورسات هزینه‌های زیادی بر زندگی روستاییان تحمیل می‌کرده است و این خود فشار مضاعفی بر جوامع روستایی قاجار بوده است. اما سؤالی که به وجود می‌آید این است: در مقطعی از تاریخ قاجار که امنیت بر روستاها حاکم بوده است، چه عوامل تاریخی چگونه منظرهای روستایی را تحت تأثیر قرار داده‌اند. در ادامه نحوه تأثیرگذاری مواردی مطرح می‌شود که در شرایط بر روستاها مؤثر بوده‌اند.

۲.۲ تلاش حاکمان برای آبادگری

دوره ثبات حکومت قاجار پس از تثبیت قدرت به وجود آمده است و مقطعی از دوره‌های بدون ناامنی قاجار را رقم زد و این دوره، دوره‌ای بوده که سیاست‌مداران بایستی به ترمیم خرابی‌ها و ایجاد کردن آبادی‌ها می‌پرداختند. به‌طور سنتی آبادسازی روستاها و تعمیر و احداث قنوات در مسئولیت‌های حاکمان قیدشده است (آدمیت و ناطق ۱۳۹۸: ۵۲). فتحعلی شاه بعد از

پایان جنگ‌های ایران و روسیه، فرمان‌هایی در بازسازی شهرها و روستاها صادر می‌کند، اما این فرمان‌ها چون بدون پشتیبانی مالی بود، اثر چندانی نداشته و یا اثر آن بسیار ناچیز بوده است (دروویل ۱۳۸۹: ۳۴). در تاریخ این روزگار، از عباس میرزا مدارکی در دست است که نشان از توجه او به منظرهای روستایی دارد. اعلان وی برای تشکیل یک مستعمره نشین کشاورزی انگلیسی در ساوجبلاغ (مهاباد فعلی) که در مطبوعات انگلیسی ثبت شده است، نمونه‌ای از این اقدام اوست (الگار ۱۳۶۹: ۱۳۲).

دوره حکومت محمدشاه همراه با صدراعظمی قائم‌مقام فراهانی و حاجی میرزا آقاسی همراه شد. صدراعظمی به قائم‌مقام فراهانی وفا نکرد و حاجی میرزا آقاسی به جای وی مسئولیت وزیر اعظمی را به عهده گرفت (سپهر ۱۳۷۷: ۶۴۹). متون تاریخی‌ای همچون اکسیرالتواریخ اعتضادالسلطنه (۱۳۵۷: ۱۵۸) از تلاش‌های شاه و وزیر او برای آبادگری و ساختن انهار و قنوات سخن می‌گویند. در صدر التواریخ نیز اعتمادالسلطنه (۱۳۵۷: ۱۵۸) درباره اقدامات حاجی میرزا آقاسی این‌گونه آمده است که او در تهران طرح عمارات و اجرای قنوات را اجرا نمود. این اقدامات می‌تواند نشانه‌ای از بهتر شدن فعالیت‌های کشاورزی و اقتصاد روستایی، حداقل در اطراف تهران بوده باشد.

دوره حکومت ناصرالدین‌شاه دوره‌ای است که به تدریج منظرهای روستایی تحولاتی را به اقتضای سیاست‌های حاکمیتی دوره قاجار تجربه می‌کنند. برای درک سیاست‌های این دوره، با توجه به ساختار سیاسی دوران ناصری، بایستی سیاست‌های صدراعظم‌های آن دوران مورد بازبینی قرارداد. ناصرالدین‌شاه در بدو رسیدن به سلطنت، میرزا تقی‌خان فراهانی - معروف به امیرکبیر - را به صدارت برگزید و زمام امور ایران را به وی سپرد و او را به عنوان شخص اول کشور تعیین کرد (اعتمادالسلطنه ۱۳۵۷: ۱۹۸). یکی از اقدامات اصلاحی میرزا تقی‌خان امیرکبیر این بود. او نسبت به برقراری امنیت اقدام کرده و باج‌گیری از مردم را کاهش داد. این اقدام او مانع دست‌اندازی لشکریان به مال روستاییان شد (پولاک ۱۳۶۸: ۲۰۵). مورد دیگری از اقدامات او مربوط به باز پس دادن بسیاری از املاکی بود که توسط میرزا آقاخان برای سیورسات شاه اختصاص داده شده بود (اعتمادالسلطنه ۱۳۵۷: ۲۰۸). احداث سدی به نام سد ناصری بر روی رودخانه کرخه، تعمیر پل شوشتر، آغاز به احداث سدی بر روی رودخانه گرگان رود، پاک‌سازی قنوات نه گنبد در حسین‌آباد یزد، و احداث سد دیگری در قم از جمله اقدامات اوست. در کنار این اقدامات عمرانی، اقدامات ترویجی در جهت کشت نباتات تازه نیز توسط او انجام پذیرفت که از جمله آن‌ها رواج دادن زراعت پنبه آمریکایی و نیشکر در مناطق مستعد

مطالعه نحوه اثرگذاری عوامل تاریخی دوره قاجار ... (آرمان وفایی و دیگران) ۲۶۹

در ایران است (بهرامی ۱۳۳۰: ۷۲ - ۷۵). علاوه بر این موارد، به نظر می‌رسد بر اساس برخی اقدامات امیرکبیر، رویکرد گذار از کشاورزی معیشتی به کشاورزی صنعتی نیز مدنظر امیرکبیر بوده است. دستور او به تأسیس کارخانه قندریزی (اعتمادالسلطنه ۱۳۵۷: ۲۱۵) و اعزام فردی به روسیه برای آموختن تصفیه شکر و قندسازی، از جمله این اقدامات است (آدمیت ۱۳۶۲: ۳۹۱). همین‌طور دو کارخانه شکرریزی در این زمان یکی در بارفروش (بابل امروزی) و دیگری در ساری تأسیس شده است (عیسوی ۱۳۶۲: ۴۵۴). علاوه بر این موارد صنعت نساجی نیز به‌عنوان صنعتی که می‌تواند صنعتی وابسته به منظرهای روستایی باشد، مورد توجه امیرکبیر بوده است. در این رابطه فردی ماهوتی تولید کرده که ضخامتش از ماهوت کمتر نیست و لطافتش بیشتر و دوامش به مراتب زیادتر است که این امر مورد تشویق دولت امیرکبیر قرار گرفته است (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۷: ۱۰۵۹). دوره تقریباً سه‌ساله صدراعظمی امیرکبیر، زمان کوتاهی بود تا تمام تلاش‌های او به بار بنشیند و پس از او با صدر اعظمی میرزا آقاخان نوری، تلاش‌های وی به سرانجام لازم نمی‌رسد.

صدراعظم بعدی میرزا محمد سپه‌سالار، اقدام تأثیرگذاری در جهت بهبود و ارتقاء منظرهای روستایی انجام نمی‌دهد (منصوربخت ۱۳۹۸: ۱۰۹-۱۱۱). پس از او این بار خود ناصرالدین‌شاه بود که بدون هیچ صدراعظمی به انجام امور دولتی پرداخت. در این دوره دارالشورا و مصلحت‌خانه‌ای تشکیل شده بود که بایستی اموری چون راهکارهای بهبود تجارت و تکثیر زراعت را بر عهده می‌گرفت (زیباکلام ۱۳۷۷: ۲۶۰). عبارت تکثیر زراعت به‌خودی‌خود نشان می‌دهد، تنها بالابردن سطح زیر کشت مدنظر بوده است و تلاشی برای بهبود و ارتقاء روش‌های برهمکنش با محیط طبیعی صورت نگرفته است.

میرزا حسین سپه‌سالار در یکی از نخستین اقدام‌های خود سه وزارتخانه به وزارتخانه‌های دارالشورای دولتی خود اضافه کرد. وزارتخانه‌های علوم و فواید، صنایع و زراعت به‌خودی‌خود نشان‌دهنده درک سپه‌سالار از اهمیت اقتصادی این موارد و البته نقش آن‌ها در اقتصاد سنتی ایران آن زمان است (منصوربخت ۱۳۹۸: ۱۲۷). یکی دیگر از اقداماتی که در دوره حکومت ناصرالدین‌شاه صورت گرفت و بر مناظر روستایی مؤثر بود، سیاست فروش خالصجات بود. این زمین‌ها عموماً به‌واسطه ضبط اموال مالکان قبلی به تصرف دولت درآمده بود و مالکیت آن‌ها توسط دیوان و دولت قاجاری عواقبی همچون بایر و راکد شدن این املاک را در پی داشته است، چراکه متصدیان آن‌ها دلسوزی و جدیتی برای آبادسازی آن‌ها به خرج نمی‌دادند (وثوقی مطلق ۱۳۸۴: ۱۷۹). شاید این عوامل باعث شد تا ناصرالدین‌شاه در سال ۱۲۹۱هـ.ق

دستور واگذاری خالصجات را بدهد و این واگذاری تا به آنجا پیش رفت که به‌عنوان مثال در اصفهان، در دوره مظفرالدین شاه از خالصه دیوانی چیزی نماند به‌جز معدودی دهات شکسته که آن دهات را نیز در ترقی زراعی خریدند (جابری انصاری ۱۳۷۸: ۳۸). در نتیجه این واگذاری‌ها قشر خاصی از مردم که توانایی پرداخت بهای این زمین‌ها را داشتند، زمین‌های خالصه را به زمین‌های اربابی تبدیل کردند و این اقدام تنها به نفع همین قشر تمام شد (دهقان‌نژاد و ستوده ۱۳۸۹: ۸۹). سیاست فروش خالصجات به‌نوعی به تجاری شدن کشاورزی در آن روزگار دامن زد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

به نظر می‌رسد حکومت قاجار در انجام رسالت‌های تاریخی خود در خصوص مناظر روستایی خیلی موفق نبوده است زیرا به‌عنوان مثال با توجه به یک روایت از منابع دولتی در دوره سلطنت ناصرالدین شاه تنها ده رشته قنات جدید حفر شده است (فشاهی ۱۳۶۰: ۲۰) امری که به نسبت سرزمینی ایران و وابستگی آن به آب و قنات بسیار ناچیز به شمار می‌آید. با وجود این کاستی‌ها در اواسط دوره ناصرالدین شاه شرایطی پدید آمد، منجر به ادغام ایران در نظام اقتصادی جهانی شد و جایگاه یک تولیدکننده مواد اولیه کشاورزی را به ایران داد که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳.۲ بازارهای جهانی و جایگاه ایران در نظام اقتصادی بین‌المللی

بازارهای جهانی و صادرات ایران در آن روزگار منجر به سیاست‌هایی در جهت حفظ این بازارها شده است. از نمونه این سیاست‌ها در حمایت محمدشاه به کاشت درخت توت برای حمایت از صنعت نوغان است (فوروکاوا ۱۳۸۴: ۴۵). این اقدام از سوی شاه حاجی میرزا آقاسی اتخاذ شده است و در جهت حمایت از صنعت ابریشم ایران بوده است (عیسوی ۱۳۶۲: ۳۱۷). ابریشم در گیلان، مازندران، استرآباد، یزد و کاشان تولید می‌شده و گیلان بیشترین سهم را در آن زمان داشته است (جمال‌زاده ۱۳۳۵: ۲۴). حمایت محمدشاه به‌نوعی تلاشی برای حفظ بازارهای جهانی بوده است و به‌این ترتیب متعاقباً سیاست حمایتی‌ای در قبال صنعت نوغان در نظر گرفته است که بر روستاها تأثیر گذاشته است. بایست توجه داشت که اجرای سیاست‌های هم‌راستا با بازارهای جهانی در دوره دیگر پادشاهان قاجار بیشتر قابل مشاهده است.

تأثیر بازارهای جهانی در دوره ناصری به نحو پررنگ‌تری به چشم می‌آید، زیرا در این دوره ایران در نظام اقتصادی آن زمان دنیا ادغام شد و با توجه به اینکه عمده صادرات ایران در آن

زمان محصولات کشاورزی بود، ماهیت اقتصادی کشاورزی آن زمان تغییر کرد و از اقتصاد معیشتی به اقتصاد تجاری تبدیل شد (شجاعی دیوکلایی ۱۳۹۸: ۷۹). نقش ایران به عنوان تولیدکننده مواد اولیه تجاری، در سیستم اقتصاد بین‌المللی باعث شد تا در این مقطع از حکومت قاجار، تولید و صادرات محصولاتی چون تریاک و پنبه بیش از محصولات دیگر انجام شود. این مسئله نشان‌دهنده تبدیل شدن کشاورزی ایران از مرحله معیشتی به مرحله کشاورزی تجاری در منظرها روستایی ایران در این برهه از تاریخ دوره قاجار است (همان، ۸۷). از آن به بعد تریاک باهدف تأمین نیاز بازارهای جهانی کشت می‌شد و بازارهایی مثل آسیای مرکزی و چین در بعضی منابع به عنوان بازار هدف این محصول ذکر شده است (ویلس ۱۳۶۳: ۳۲۳). سود بسیار زیاد کشت تریاک باعث شده بود تا کشاورزی از حالت معیشتی به حالت تجاری تغییر ماهیت دهد. بنابراین، حاکمیت قاجاری نیز نسبت به کشت خشخاش سیاست‌های تشویقی را در نظر گرفت. در این خصوص به عنوان مثال در فارسنامه ناصری به گزارش‌هایی از گسترش کشت تریاک در این دوره در نواحی‌ای چون اصطهبانات، آباد، بهبهان، جهرم، حومه شیراز، داراب، فسا، کازرون و دیگر جاهای ایران برمی‌خوریم (حسینی فسایی ۱۳۶۷: ۸۷۴). سودآور بودن تجارت تریاک باعث شده بود تا تجار و شاهزادگان و به‌طور کلی صاحبان سرمایه در ایران قاجاری به زمین‌داری روی بیاورند و به هر نحوی صاحب‌ملک و زمین شوند (سیاح محلاتی ۱۳۵۶: ۴۷۱) و از سوی دیگر، کشت تریاک به صورت تجاری باعث شد تا سطح زیر کشت این محصول بالا رفته و متعاقباً سطح زیر کشت محصولات دیگر پایین بیاید. با این حال بعضی از مقامات ایرانی برای رفع این موضوع، تمهیداتی اندیشیدند. به عنوان مثال ظل السلطان دستور داد تا درازای هر چهار جریب کشت خشخاش یک جریب گندم کشت شود (فلور ۱۳۹۹: ۴۶۳).

کشت پنبه نیز مثال دیگری از تجاری شدن کشاورزی در این دوره است. به دنبال افزایش هزینه گمرک واردات پنبه از اروپا برای روسیه، این کشور مشتری پنبه‌های ایران شد و افزایش چشمگیر صادرات پنبه در سال ۱۸۶۶ م نسبت به سال ۱۸۷۰ م به روسیه نشان‌دهنده گسترش این کشت است (عیسوی ۱۳۶۲: ۳۷۷). هند نیز یکی دیگر از مقاصد صادرات پنبه ایران بوده است که در دهه ۱۸۸۰ میلادی میزان صادرات پنبه به آن منطقه سالانه حدوداً بین ۱۵۰۰۰ الی ۲۰۰۰۰ عدل^۲

در نوسان بوده است (فلور ۱۳۹۹: ۴۴۶). در مورد کشت پنبه نیز بالا رفتن سطح زیر کشت این محصولات و تغییر نوع کشت کاملاً مشهود بوده است.

به دنبال تحول ماهیت کشاورزی از شکل معیشتی به شکل تجاری، امتیازنامه‌ای برای کشت و تجارت تنباکو در تاریخ آن روزگار مطرح شد. به موجب امتیازنامه‌ای موسوم به رژی صاحبان این امتیازنامه در ازای مبلغ سالانه ۱۵۰۰۰ لیره انگلیس، صاحب حق انحصاری فروش و معامله توتون و تنباکو و سیگار و سیگارت و انقیه و غیره شدند (کرمانی ۱۳۹۶: ۳۸/۳۹). بدیهی بود که این حق انحصاری نیز مانند مثال قبلی از تجاری شدن کشاورزی، مناظر روستایی را تحت تأثیر قرار دهد. اما دیری نپایید که با هشیاری روحانیت و ملت این امتیاز نیز ملغی شد. پرداختن به ابعاد مختلف این رخداد تاریخی خارج از موضوع بحث است اما مخالفت علما با تجارت و کشت تنباکو منجر به تأثیر منفی بر روی کشت تنباکو و درآمد زارعان شد و باعث شد که این محصول در دست کشاورزان و زارعان باقی بماند و ناحیه گسترده‌ای از روستاهای اطراف اصفهان که پرداخت مالیاتشان به واسطه تنباکو بود، آسیب جدی ببینند (فلور ۱۳۹۹: ۴۹۵).

وضعیت روستاها در دوره حکومت مظفردالدین شاه و در سال‌های قبل از انقلاب مشروطه بیش‌تر تحت تأثیر تحولات عمیق اواخر دوره ناصرالدین شاه است. در طی فرایند تجاری شدن کشاورزی دهقانان به کارگران مزدبگیر تبدیل شدند و ادامه این روند موجبات مهاجرت‌های گسترده را برای این قشر فراهم کرد و این مهاجرت‌ها قشری از مردم ناراضی را به وجود آورد که در انقلاب مشروطه مؤثر بودند (ادیب پور ۱۳۸۵: ۳۹). کشاورزی تجاری در دوره ناآرامی‌های مشروطه نیز رواج داشته است. به‌عنوان مثال در سفرنامه گوهر مقصوده قلم‌تهرانی (۱۳۸۵: ۳۸) از زیاد بودن زمین‌هایی که به کشت پنبه در سبزوار اختصاص داده بودند، روایت شده است. در متون دیگر نیز اشاره‌ها و روایات دیگری در خصوص تداوم رواج کشاورزی تجاری در نقاط دیگر ایران وجود دارد. به‌عنوان مثال محصولات قانئات در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم محصولات تجاری‌ای همچون، زعفران، تریاک و ابریشم ذکر شده است. رواج این محصولات به حدی بوده است که مانع از کشت محصولات اساسی همچون گندم و جو به حد کافی بوده است (علیزاده بیرجندی و آرام‌جو ۱۳۹۰: ۱۲۷). در این دوره اشکالی از ورود صنعت که مرتبط با کشاورزی بود، نیز در کشور به جریان افتاد. از این نمونه‌ها می‌توان به کارخانه‌های پنبه‌پاک‌کنی در سبزوار، بارفروش و ساری اشاره کرد که کار این کارخانه‌ها پاک کردن پنبه صادراتی به روسیه بوده است (اشرف ۱۳۵۹: ۸۵). کشاورزی به‌عنوان شکل غالب برهمکنش با طبیعت در منظر روستایی، همچنان در تداوم شرایط نیمه‌استعماری ایران، اهداف سرمایه‌داری تجاری در تولید مواد اولیه را برآورده می‌کرد.

بااین وجود، اقتصادی که منجر به عبور از کشاورزی معیشتی به کشاورزی تجاری شد، بیشتر سطح زیر کشت محصولات مختلف را تحت تأثیر قرارداد و تلاشی برای افزایش بهره‌وری در کشاورزی به عمل نیامد. زارعان به جای اینکه به دنبال روش‌های متمرکز، یعنی بهره‌گیری از نهاده‌های بیشتر در یک هکتار بروند، کشاورزی گسترده یعنی به‌کارگیری زمین بیشتر را برای کشت تریاک برمی‌گزیدند (فلور ۱۳۹۹: ۴۶۹) به این ترتیب تجاری شدن کشاورزی هم منجر به تحول عمیقی در مناظر روستایی نشده است. اما برای این تحول تلاش‌هایی شده که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد. واقعیت این است که در آن زمان درکی به وجود آمده بود که از ناکارآمدی روش‌های سنتی برهمکنش روستایی با محیط زیست در زمین‌های کشاورزی و دامداری آگاه بود و نسبت به تغییر آن نیز اقداماتی انجام داد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴.۲ تلاش ناکام برای گذار از شکل‌های سنتی برهمکنش با محیط در مناظر

روستایی

قشر فرهیخته دوره قاجار دلیل عقب افتادن ایران نسبت به کشورهای دیگر را در جنبه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی ایرانیان می‌دانستند. آنان بعضی از جنبه‌های عقب‌افتادگی در آن روزگار را در عدم صنعتی بودن کشور دانسته و مصداق صنعتی شدن در دنیای پیشرفته آن دوره را در ماشین بخار مشاهده می‌کردند. به‌عنوان مثال در مقاله‌ای به قلم میرزا حسن خان نامی با عنوان «ترقیات کشاورزی و تفصیل شخم کردن زمین با قوه بخار» این موضوع مطرح شده است (آدمیت ۱۳۵۶: ۳۱۹) که به‌نوعی نشان‌دهنده آشنایی با پیشرفت‌های کشاورزی دنیای خارج از ایران و احساس ناکارآمدی سنت‌های حاکم بر آن زمان در ایران بوده است.

یکی از تلاش‌ها برای ورود صنایع مرتبط به کشاورزی در سال ۱۳۰۷ هـ.ق و در رابطه با اعطای امتیاز تأسیس کارخانه چغندر قند به شرکت بلژیکی اتفاق افتاد. اعطای این امتیاز مطالعات گسترده بلژیکیان در زمین‌های کشت، تولید و بازار فروش محصولات ایران را در پی داشت (نورایی ۱۳۸۶: ۴۲) بلژیکی‌ها برای شخم زمین‌های چغندرکاری، ۱۰۰ دستگاه گاوآهن را از اروپا وارد کرده و به‌صورت بلاعوض در اختیار کشاورزان قراردادند، اما کشاورزان در استفاده از آن‌ها، امتناع ورزیدند (اشرف ۱۳۵۹: ۶۰). شرکت قندسازی بلژیک در سال ۱۳۱۳ هـ.ش شروع به کشت چغندر قند کرد اما این پروژه نیز به‌مانند بسیاری از تلاش‌های

سابق به شکست انجامید که علت آن، گرانی مواد خام و مخارج اتفاقی ذکر شده است (جمالزاده ۱۳۳۵: ۹۴). از جمله تلاش‌های دیگر دوره ناصری بهره‌گیری از یک متخصص آمریکایی برای حفر چاه‌های آرتزین است (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۳: ۱۵۵).

احساس ناکارآمدی سنت‌های مناظر روستایی ایران در آن روزگار، کوتاهی در رواج فلاح و کوتاهی حکومت در انجام مسئولیت‌های خود از انگیزه‌های انقلاب مشروطه بود که در مکاتبات رهبران آن قابل مشاهده است (کرمانی ۱۳۹۶: ۱۶۶ و ۳۳۹). جبران ناکارآمدی‌ها، نیاز به آموزش داشت و این آموزش نیز نهادهای آموزشی جدید را می‌طلبید. مدرسه فلاح مظفوری یکی از این نهادهای آموزشی بود که به دنبال درک ناکارآمدی وضعیت موجود و تلاش برای ایجاد وضعیت جدید تأسیس شد. چنین دغدغه‌ای در شماره اول مجله تخصصی این مرکز آموزشی به‌صراحت بیان شده است (مجله فلاح مظفوری، ۱۳۱۸ هـ.ق، دوم) (تصویر ۲). با وجود چنین هدفی، این تلاش‌ها نیز با شکست مواجه شد. واکاوی دلایل شکست چنین پدیده‌ای، منجر به درک عواملی همچون عدم انطباق برنامه‌های آموزشی با وضعیت جاری کشور و عدم تأمین شغل برای فارغ‌التحصیلان این مدارس می‌شود (زمانی‌پور ۱۳۸۶: ۱۶۸). بی‌اثر بودن تلاش‌ها برای گذار از شکل‌های سنتی برهمکنش در مناظر روستایی با محیط به حدی است که می‌توان گفت نوع برهمکنش انسان روستایی با جغرافیای اطرافش تغییر چشمگیری نداشته است. این مسئله نشان داد که فن‌آوری‌های کشاورزی ایران در قرن نوزدهم دستخوش تغییر و تحول قابل‌ذکری نسبت به گذشته خود نداشته است (سیف ۱۳۷۳: ۵۱).



تصویر ۲. صفحه اول شماره نخست مجله فلاحت مظفری،
تصویر برگرفته از: (پبله.ور. تاریخ مطبوعات ایران، روزنامه فلاحت مظفری، ۱۳۹۹)

۳. نتیجه گیری

جنگ‌ها و درگیری‌های داخلی و خارجی پیاپی در سرتاسر دوره قاجار باعث به وجود آمدن شرایط ناامنی در دوره قاجار شده است که این ناامنی به خودی خود بر همه بخش‌های جامعه ایرانی و به‌طور خاص بر روستاها نیز تأثیرگذار بوده است و منظر فرهنگی روستاهای ایرانی را تحت تأثیر خود قرار داده است. شرایط ناامن بر شکل معماری روستاها به‌صورت قلعه، متروک شدن بسیاری از آن‌ها و همین‌طور آسیب دیدن تأسیسات روستایی همچون قنات‌ها، اثر داشته است. از سوی دیگر، احساس ناامنی در این دوره و تحمیل سستی به نام سیورسات، منجر به عدم تمایل کشاورزان به کشت و کار و توسعه آن در جامعه روستایی شده است.

در بین روایات اسناد تاریخی موردبررسی قرارگرفته، مواردی مشاهده شد که در آن از تلاش وزرای چون حاجی میرزا آقاسی و امیرکبیر یادشده بود و نشان داد که ایشان در

ساختن قنوات و سدها و احیای اراضی ممت تلاش کرده بودند. این اقدامات به صورت سستی در زمره وظایف حاکمان در نظر گرفته می‌شده است اما به نظر می‌رسد که باین‌همه - در یک نگاه کلی - حاکمان قاجاری خیلی در این امر موفق نبوده‌اند. در ادامه تاریخ قاجار هم سیاست‌های قاجاری بیشتر بر حمایت از کشاورزی تجاری متمرکز بوده است و اجرای سیاست فروش خالصجات توسط ناصرالدین‌شاه هم به نوعی زمینه را برای سرمایه‌گذاری بیشتر در کشاورزی تجاری فراهم کرد تا اقتصاد معیشتی کشور و تأمین نیازهای اولیه کشور.

تثبیت جایگاه ایران به عنوان تولیدکننده مواد اولیه کشاورزی موردنیاز جامعه جهانی با تحول و تغییر کشاورزی سنتی و معیشتی به کشاورزی تجاری در این دوره انجام گرفت. این مسئله عواقبی را در منظرهای روستایی به همراه داشت: نخست اینکه ماهیت کشت‌ها متفاوت شد و بنا به تقاضای جهانی تغییر یافت. زمین‌های کشاورزی به کشت محصولات تجاری اختصاص یافت و اقلام حیاتی برای معیشت کشور کمتر کشت شد. سیاست‌هایی همچون سیاست ظل السلطان در خصوص کشت یک جریب گندم درازای هر چهار جریب تریاک تا حدی برای تعدیل این شرایط بود اما بنا به پژوهش‌های تاریخی‌ای که در خصوص جاهای دیگر ایران انجام شده است، این قانون در بسیاری از نقاط کشور به کار گرفته نشد. ضمن اینکه هموار شدن اختصاص زمین‌ها به کشت‌هایی چون پنبه، تریاک و تنباکو با خشک‌سالی‌های گاه و بیگاه، قحطی‌هایی را هم به دنبال داشته است. از سوی دیگر در مواردی کشت‌هایی مثل تنباکو از رخدادهای سیاسی و اجتماعی این دوره تأثیر گرفته و به عنوان مقال جنبش تحریم مصرف تنباکو، آسیب‌های جدی به این نوع کشت وارد آورده است.

نکته دوم این است که کشاورزی به نوعی سرمایه‌گذاری بدل شد و قشری از جامعه که توانایی این سرمایه‌گذاری را داشت به آن تکیه زد. این نکته با سیاست فروش خالصجات ناصرالدین‌شاه تقویت شد. روی آوردن قشر سرمایه‌دار به روستاها و تبدیل املاک خالصه به املاک اربابی، باعث آبادتر شدن آن املاک شد اما این مسئله به دنبال خود دهقانان را تبدیل به کارگران مزدبگیر کرد و به دنبال خود مهاجرت‌های گسترده را به همراه داشت.

با اینکه بسیاری از نخبگان ایرانی از ناکارآمدی نحوه تعامل با محیط‌زیست توسط روستاییان آگاهی داشتند، اما اقدامی برای بهبود شرایط آن زمان انجام نگرفت و اقدامات انجام شده همه با شکست مواجه شدند. منظرهای روستایی دوره قاجار در ایران را نمی‌توان قابل مقایسه با منظرهای فرهنگی‌ای غربی دانست چراکه آنان با ارتقا روش‌های مختلف بهره‌برداری از زمین و

مطالعه نحوه اثرگذاری عوامل تاریخی دوره قاجار ... (آرمان وفایی و دیگران) ۲۷۷

شکل‌گیری برهمکنشی متفاوت از قبل خود با محیط‌زیست، از طریق انقلاب صنعتی، باعث رشد شتابناک کشاورزی شده و زمینه را برای توسعه جامعه اروپایی فراهم کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. این پژوهش به‌عنوان بخشی از طرح پژوهشی با عنوان: تحولات مدرنیته در روستاهای شرق زاگرس مرکزی از دیدگاه باستان‌شناسی منظر فرهنگی (دوران قاجار تا عصر حاضر؛ مطالعه موردی منظر فرهنگی روستاهای دشت اسدآباد) است که با حمایت مالی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور در حال انجام است.

۲. واحد بسته‌بندی معادل ۱۸۰ الی ۲۵۰ کیلوگرم.

کتاب‌نامه

- آدمیت، فریدون (۱۳۵۶)، *اندیشه ترقی و حکومت قانون در عصر سپهسالار*، تهران، خوارزمی
- آدمیت، فریدون و هما ناطق (۱۳۹۸)، *افکار سیاسی و اجتماعی در آثار منتشر نشده دوران قاجار*، تهران، آگاه
- ادیب فر، فروزان (۱۳۸۵)، *جامعه روستایی ایران در آستانه انقلاب مشروطه*، مسکو، *دانشگاه آزاد ری*، پیش‌شماره ۲، ۳۵-۴۷.
- اشرف، احمد (۱۳۶۵)، *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران؛ دوره قاجاری*، تهران، زمینه
- اعتضادالسلطنه، علیقلی میرزا (۱۳۷۰)، *اکسیرالتواریخ (تاریخ قاجاریه از آغاز تا سال ۱۲۵۹ ق)*، به اهتمام جمشید کیان‌فر، تهران، ویسمن
- اعتضادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۶۳)، *تاریخ چهل ساله ایران در دوران حکومت ناصرالدین شاه*، به کوشش ایرج افشار، جلد ۱، تهران، اساطیر
- اعتضادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۵۷)، *صدرالتواریخ یا تاریخ صدر قاجار*، شرح حال یازده نفر از صدر اعظم‌های پادشاهان قاجار، به کوشش محمد مشیری، تهران، روزبهان
- اعتضادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷)، *مرآة البلدان*، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، جلد دوم با تصحیح و حواشی و فهرس، تهران، دانشگاه تهران
- افضل الملک، میرزا غلامحسین (۱۳۶۱)، *افضل التواریخ*، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران، تاریخ ایران
- الگار، حامد (۱۳۶۹)، *دین و دولت در ایران؛ نقش علما در دوره قاجاریه*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس
- انصاف‌پور، غلامرضا (۱۳۶۳)، *ایران و ایرانی به تحقیق در صد سفرنامه خارجی*، تهران: کتابقروشی زوار

۲۷۸ تحقیقات تاریخ اقتصادی ایران، سال ۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

- اولیویه، ا (۱۳۷۱)، *سفرنامه اولیویه*، ترجمه محمد طاهر میرزا، مصحح غلامرضا ورهرام، چاپ اول، تهران، انتشارات اطلاعات
- بارونز، آکس (۱۳۷۳)، *سفر به ایران در عهد فتحعلی شاه قاجار*، ترجمه حسن سلطانی فر، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی
- براون، ادوارد (۱۳۳۸)، *انقلاب ایران*، ترجمه و حواشی به کوشش احمد پژوه، تهران، نشر معرفت
- بن تان، آگوست (۱۳۵۴)، *سفرنامه آگوست بن تان*، ترجمه منصوره نظام مافی اتحادیه. تهران
- بهرامی، تقی (۱۳۳۰)، *تاریخ کشاورزی ایران*، تهران، دانشگاه تهران
- پهنادایان، شاهین (۱۳۹۶)، *مروری بر ساختار اجتماعی و اقتصادی ایران عصر قاجار*، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره سی و هشتم، ۱۳۷-۱۹۴
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، *سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، خوارزمی
- پيله ور، صادق، تاریخ مطبوعات ایران، *روزنامه فلاح مظفری*، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۰۹/۳، <https://www.ical.ir/ical/fa/Content/np2/1399100391856>
- تهرانی، آقاسید مصطفی (۱۳۸۵)، *سفرنامه گوهر مقصود (خاطرات سیاسی و اجتماعی در دوره استبداد صغیر)*، به کوشش زهرا امیرخانی، تهران: میراث مکتوب
- جابری انصاری، حاج میرزا حسن خان (۱۳۷۸)، *تاریخ اصفهان*، تصحیح و تعلیق جمشید مظاهری، جلد اول، اصفهان، مشعل
- جمالزاده، سیدمحمدعلی (۱۳۳۵)، *گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران*، برلین، انتشارات اداره کاوه
- جمالزاده، سیدمحمدعلی (آوریل ۲۰۱۹) «چیستی مناظر روستایی»
<http://www.iranicosos.org/?p=6214> ،
- حسینی فسایی، میرزا حسن (۱۳۶۷)، *فارسانامه ناصری*، تصحیح منصور رستگار فسایی، جلد دوم، تهران، امیرکبیر
- دروویل، گاسپار (۱۳۸۹)، *سفرنامه دروویل*، ترجمه جواد محبی، تهران، نیکفرجام
- دهقان حسام پور، مهدی و مصطفی ندیم (۱۳۹۴)، *تأثیر تجاری شدن تریاک در تغییر وضعیت زمین‌داری و مناسبات شغلی دوره قاجاریه*، فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی (علمی-پژوهشی)، سال پنجاه و یکم، دور جدید، سال هفتم شماره ۴، پیاپی ۲۸، ۳۳-۴۴
- دهقان‌نژاد، مرتضی و مولود ستوده (۱۳۸۹)، *فرمانگذاری خالصجات در اصفهان دوره ناصرالدین‌شاه (تبدیل زمین‌های دولتی به زمین‌های اربابی به‌طور مشروط، فصلنامه گنجینه اسناد، سال بیستم، دفتر سوم، ۸۰-۹۱*
- روزنامه فلاح مظفری، «اخبار رسمی»، نمره اول، دویم، ۱۳۱۸ ه.ق

مطالعه نحوه اثرگذاری عوامل تاریخی دوره قاجار ... (آرمان وفایی و دیگران) ۲۷۹

- زمانی پور، اسدالله (۱۳۸۶)، آموزش کشاورزی در ایران: آغازی اشتباه و انجامی بی سرانجام، علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۳، شماره ۱، ۱۵۹-۱۷۴
- زیباکلام، صادق (۱۳۷۷)، سنت و مدرنیته، ریشه‌یابی علل ناکامی اصلاحات و نوسازی سیاسی در ایران عصر قاجار، تهران، روزنه
- سپهر، محمدتقی لسان الملک (۱۳۷۷)، *ناسخ التواریخ*، جلد دوم، به کوشش جمشید کیانفر، تهران، اساطیر سعیدی، عباس (۱۳۹۰)، *مبانی جغرافیای روستایی*، چاپ سیزدهم، تهران، سمت
- سیاح محلاتی، م (۱۳۵۶)، *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*، به تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران، امیرکبیر
- سیف، احمد (۱۳۷۳)، *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*، ویراستار احمد کاظمی، تهران، چشمه
- سیف، احمد (۱۳۸۹)، *قرن گمشده؛ اقتصاد و جامعه ایران در قرن نوزدهم*، تهران، نشر نی
- شجاعی دیوکلابی، سیدحسن (۱۳۹۸)، *توسعه‌نیافتگی و صنعتی سازی ایران عصر قاجار و پهلوی اول*، تهران، تپسا
- شوستر، مرگان (۱۳۸۵)، *اختناق ایران*، ترجمه حسن افشار، تهران، ماهی
- شیل، ماری (۱۳۶۸)، *خاطرات لیدی شیل «همسر وزیرمختار انگلیس در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه»*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، نشر نی
- علیزاده بیرجندی، زهرا و علی آرامجو (۱۳۹۰)، *رشد کشاورزی تجاری و پیامدهای آن در نیمه دوم قاجاریه مطالعه موردی: ولایت قاینات*، مطالعات تاریخ فرهنگی، سال دوم، شماره هفتم، ۱۲۱-۱۳۵
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، *تاریخ اقتصادی ایران*، قاجاریه ۱۲۱۵-۱۳۳۲ ه.ق، ترجمه یعقوب آژند، تهران، گستره
- فشاهی، محمدرضا (۱۳۶۰)، *تکوین سرمایه‌داری در ایران (۱۷۹۶-۱۹۰۵)*، تهران، گوتنبرگ
- فلور، ویلم (۱۳۹۹)، *کشاورزی ایران در دوره قاجار*، ترجمه شهرام غلامی، تهران، علمی فرهنگی
- فوروکاوا، نوبویوشی (۱۳۸۴)، *سفرنامه فوروکاوا*، ترجمه هاشم رجب زاده و کینچی ئه اورا، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
- کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۹۶)، *تاریخ بیداری ایرانیان*، جلد ۱-۳، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۶
- کرزن، جرج.ن. (۱۳۷۳)، *ایران و قضیه ایران*، جلد اول، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، انتشارات علمی-فرهنگی
- لمتون، آن کترین سواين، مالک و زارع، ترجمه منوچهر امیری، چاپ اول، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۳۹
- محمدنیا، اصغر (۱۳۹۴)، *از دارالخلافه تا کردستان؛ طهران و کردستان از دوربین علی خان والی*، تهران، اوحدی
- منصوربخت، قباد (۱۳۸۸)، *کشاورزی تجاری در دوره قاجاریه*، *تاریخ ایران*، شماره ۳، پیاپی ۵/۶۱، ۱۲۳-۱۵۰
- منصوربخت، قباد (۱۳۹۸)، *ایران ناصری و ناکامی در توسعه صنعتی*، تهران، نگارستان اندیشه

۲۸۰ تحقیقات تاریخ اقتصادی ایران، سال ۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

- موریه، جیمز (۱۳۸۶)، سفرنامه جیمز موریه، سفر یکم از راه ایران، ارمنستان و آسیای کوچک به قسطنطنیه، در سال های ۱۸۰۸ و ۱۸۰۹، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس
- نورایی، مرتضی (۱۳۸۶)، کارخانه قند کهریزک و اسناد نوبافته، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۳۳، ۹۰-۳۲
- وقایع نگار مروزی، میرزا محمدصادق (۱۳۶۹)، تاریخ جنگ های ایران و روس، گردآورنده: حسین آذر به کوشش امیرهوشنگ آذر. چاپ اول، تهران، امیرهوشنگ آذر
- وثوقی مطلق، رجبعلی (۱۳۸۴)، مصادره اموال؛ عوامل و پیامدها (عصر ناصری ۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق)، نامه تاریخ پژوهان، بهار ۸۴، شماره ۱، ۱۵۷-۱۸۳
- ورهرام، غلامرضا (۱۳۶۷)، سیورسات، فرهنگ، شماره ۲ و ۳، ۳۴۳-۳۵۹
- ویلس، چارلز جیمز (۱۳۶۳)، تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، به کوشش جمشید دودانگه و مهرداد نیکنام، تهران، زرین
- هدایت، مخبرالسلطنه (۱۳۶۳)، گزارش ایران، جلد ۱ به اهتمام محمدعلی صوتی، تهران، نقره

Fraser. J.B, (1840), *Travels in koordistan, Mesopotamia and Etc, Volume II*, London, Bentley